

پسر خانواده وینزلو



نویسنده: ترنس
راتیکان
مترجم: فائزه صادقی
ناشر: قطره

نبرد آرتور وینزلو سر چیست؟ ظلم‌ستیزی و عدالت‌خواهی، صیانت از شرافت و حیثیت خانوادگی یا حفظ غرور، خودخواهی و خودستایی؟ انتخاب درست کدام است؟ ایستادگی و از پاننشستن در برابر الیگارشی بی‌رحمی که با تصمیم ظالمانه به‌ظاهر کوچک و زدن مهر ننگ بر زندگی پسر نوجوانش، سرنوشت دیگری برایش رقم می‌زند یا سکوت اختیار کردن و رضایت به تسلیم؟

ریچل



نویسنده: آنجلینا ولد
گریمکه
مترجم: اسماعیل
نچار
ناشر: مهراندیش

«ریچل» از اولین نمایش‌نامه‌های موجود آمریکایی است که به مخالفت با مجازات بدون محاکمه و خشونت علیه رنگین‌پوستان پرداخته است. این نمایش‌نامه، که بسیاری از منتقدان و تاریخ‌نویسان تئاتر آن را خودزندگی‌نامه گریمکه می‌دانند، به بیان این واقعیت تاریخی در تاریخ آمریکا می‌پردازد که داشتن طبقه اجتماعی و تحصیلات مناسب تأثیری بر نوع نگاه غیرانسانی افرادی که قانون‌هایی امثال جیم کرو و تفکیک نژادی را در قبال رنگین‌پوستان و سیاه‌پوستان وضع کرده‌اند، ندارد.

مرگ ناتان



نویسنده: علی‌رضا
کوشک جلالی
ناشر: افراز

«مرگ ناتان» برداشت آزادی است از رمان «بازگشت به حیفا» که نیم‌نگاهی هم به نمایش‌نامه معروف «ناتان خردمند» دوریس لسینگ دارد. ناتان در فرهنگ آلمان به‌گونه‌ای «خرد» را تداعی می‌کند؛ خردی که این روزها بی‌رحمانه تیرباران می‌شود. نمایش با خروج یک زن و شوهر فلسطینی و ورود یک زن و شوهر یهودی به صحنه آغاز می‌شود. زوج یهودی به جست‌وجوی سرپناهی در «سرزمین موعود»، دنیای جهانی فاشیسم هیتلری را پشت‌سر گذاشته و زوج فلسطینی در آستانه آوارگی و خانه‌به‌دوشی است.

نمایش‌نامه‌نویس همه اعصار

آثار هنریک ایبسن پس از ۱۱۶ سال همچنان بازترجمه و بازنشر می‌شود

تئاتر جدی آن دوره، تئاتر رمانتیک بود و صرفاً برای مطالعه کردن و خواندن نوشته می‌شد. برنارد شاو که از او به‌عنوان توانمندترین نمایش‌نامه‌نویس بریتانیایی پس از شکسپیر یاد می‌کنند، در «عصاره ایبسنیسم» می‌گوید، زمانی که ایبسن نوشتن نمایش‌نامه‌هایش را آغاز کرد، هنر درام‌نویسی به هنر موقعیت‌پردازی تقلیل یافته بود. عقیده بر این بود که موقعیت هر چه غریب‌تر باشد، بازی کردن نیز بهتر میسر می‌شود اما ایبسن متوجه شد که برعکس، هر چه موقعیت خودمانی‌تر باشد، دیدنی‌تر است.

ایبسن در عمر هفتادوهشت ساله خود، بیست‌وپنج نمایش‌نامه نوشت که نخستین نمایشش، «کاتالینا» در ۱۸۵۰ منتشر شد و آخرین نمایشش «وقتی با چشم‌های باز می‌میریم» در ۱۸۹۹. نشر بیدگل که تا امروز ۱۲ اثر از ایبسن را منتشر کرده، برای انتشار دیگر آثار ایبسن پیشگام است و در سال جاری نمایش‌نامه «پرگنت» را با ترجمه بهزاد قادری منتشر کرده است.

«پرگنت» نوعی نمایش‌نامه حماسی و شاعرانه است که هنریک ایبسن در آن سعی دارد ضعف‌های اخلاقی مردم نروژ را به تصویر بکشد؛ دوره‌ای از زمان که بیشتر روشنفکران به حراج و خانه‌تکانی افکار خود می‌اندیشیدند. این نمایش‌نامه تصویری از دوران سخت و آشوب‌های ذهنی هنریک ایبسن در چهل سالگی است؛ دوره‌ای از زمان که بیشتر خردمندان به دنبال تغییر افکار خود بودند. مشکلات اجتماعی مانند حمله به ملی‌گرایی خودپرستانه و انزواطلبانه نروژی‌ها و ماندن جوانان در اسارت سنت‌های پوشالی و... منجر شدند که ایبسن از افسانه پرگنت (Peer Gynt) نمایش‌نامه‌ای تهیه کند تا هم‌وطنان خود را از مفهوم واقعی شعر و ادبیات آگاه سازد. مطالب نمایش‌نامه «پرگنت» برگرفته از داستان‌های عامیانه‌ی نروژی است و گونه‌ای نمایش‌نامه تخیلی و شاعرانه به شمار می‌آید. قهرمان این نمایش‌نامه، مردی ساده با ظاهر معمولی است که از عشق زنی باوفا فرار می‌کند. نویسنده تمامی حالات روحی او را با لحنی تمسخرآمیز و طنزآلود شرح می‌دهد. این نمایش‌نامه از پنج پرده تشکیل شده که قدرت تخیل و افکار عمیق هنریک ایبسن نقش‌ونگارای خاص به نمایش‌نامه داده و آن را به صورت اثری فیلسوفانه درآورده است.

اهمیت ایبسن تا آنجاست که هنوز هم، چه در دنیا و چه در ایران، همواره آثارش به

حاشیه و هنگامه اجرای نمایش‌ها گابله که در سال ۸۹ در ایران روی سن رفت. یکی ایبسن را عامل فراماسونری و آلت دست سرمایه‌داری غرب معرفی می‌کند و دیگری می‌گوید، «سبک واقع‌گرا و غیرارسطویی ایبسن تأثیر فراوانی بر درام معاصر ایرانی نهاد که از آن میان می‌توان به بهرام بیضایی، اکبر رادی، سعادی و علی حاتمی اشاره کرد... خیلی حرف است که سبک ایبسن «غیرارسطویی» خوانده شود. این حرف‌ها همه‌اش در سطح ویکی‌پدیاست که انگار اپیدمی جهانی است. به نظر من چخوف فکر می‌کرد ایبسن شهامت چالش و رویارویی با ارسطو را ندارد و همین شد که او نمایش‌نامه «مرغ دریایی» را در پاسخ به نمایش‌نامه «مرغابی وحشی» ایبسن نوشت تا نشان دهد جسارت یعنی چه! البته، خیلی‌ها فکر می‌کردند چخوف از روی دست شاگرد اول کلاس نگاه کرده، ولی ایبسن می‌دانست بینامتنیت یعنی چه. استریندبرگ هم او را «ننه‌قمر» نق نقوی بی‌خبر از روزگار معاصر می‌دانست. ایبسن، اما، جودوئیستی بود که می‌دانست چطور با فن خود ارسطو، او را خاک کند - او این را از باینر آموخته بود. ایبسن، فیلسوفی اجتماعی بود که خوب می‌توانست افلاطون و ارسطو را، با هم، در کنار «کی‌یر که‌گور» بگذارد و از «زخم ابدی» سخن بگوید.

به‌راستی هنریک ایبسن کیست که پس از ۱۱۶ سال، هم‌چنان در سراسر جهان، به ویژه ایران خوانده می‌شود، بازترجمه می‌شود، بازنشر می‌شود، و از مُد نمی‌افتد؟ هنریک ایبسن که او را هم‌سنگ سوفکل و شکسپیر به شمار می‌آورند، از بزرگ‌ترین نمایش‌نامه‌نویس نروژ و از پایه‌گذاران تئاتر مدرن جهان و یکی از بزرگ‌ترین استادان هنر تئاتر در تمامی اعصار است. برنارد شاو، اهمیت نمایش‌نامه‌های ایبسن را بارها بیش‌تر از نمایش‌نامه‌های شکسپیر می‌داند و می‌نویسد: «ایبسن کمبودی را که شکسپیر به‌جا گذاشت، جبران می‌کند.» جیمز جویس او را «شکسپیر خطه شمال و یگانه درام‌نویس پس از شکسپیر» معرفی می‌کند که در تراژدی‌نویسی راه به شیوه خاص خود برده، و «هرولد بلوم» منتقد بزرگ آمریکایی او را بزرگ‌ترین درام‌نویس مغرب‌زمین بعد از شکسپیر می‌داند که به گفته خود ایبسن دارای نبوغی اهریمنی است.

آثار ایبسن تقریباً تمام نیمه دوم قرن نوزدهم را دربرمی‌گیرد؛ دوره‌ای که سنت نمایشی اروپا در مرگ دست‌وپا می‌زد و

سامان اصفهانی منتقد

بازگشایی نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، پس از دو سال تعطیلی کرونایی، هم‌زمان شده است با صدوشانزدهمین سالگرد درگذشت هنریک ایبسن، نمایش‌نامه‌نویس شهیر نروژی که بسیاری او را پدر ادبیات نمایشی مدرن جهان می‌دانند. این هم‌زمانی مناسبت خوبی است که به فعالیت‌های مهمی که در سال‌های اخیر پیرامون نشر آثار ایبسن در ایران صورت گرفته، پردازیم و سپس در چرایی اهمیت آثار ایبسن بگوئیم.

نخستین آشنایی ایرانیان با ایبسن به اجزای گروه‌های ارمنی در سال‌های آغازین سده بیستم در ایران بازمی‌گردد اما تاریخچه برگردان آثار ایبسن به پیش از نیم‌قرن پیش در ایران بازمی‌گردد و به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر دست‌کم دو انتشارات با رویکرد متفاوت‌تری به بازنشر آثار ایبسن پرداخته‌اند. نخست، نشر شورآفرین که پروژه انتشار آثار ایبسن از اصل زبان نروژی را برای نخستین بار پیش برد. پروژه‌ای که در سال ۲۰۱۳ با ترجمه هم‌زمان تعدادی مترجم به هشت زبان گوناگون انجام شد که در این میان زبان فارسی هم یکی از آن هشت زبان بود و زحمت ترجمه آن را میرمجید عمرانی، عضو کرسی ایبسن‌شناسی دانشگاه اسلو بر دوش کشید. اما نشر دیگری که در این میان ایبسن‌شناسی را چند گام در ایران به جلو برد، نشر بیدگل بود که بیش از یازده عنوان از آثار ایبسن را با برگردان مترجم توانمند، بهزاد قادری پیش برد. تفاوت مهم این ترجمه‌ها با کارهای قبلی در پیش‌گفتارهای منتقدانه و سودمند بهزاد قادری است که به فهم و شناخت بیشتر ایبسن کمک شایانی می‌کند.

بهزاد قادری در مصاحبه‌ای می‌گوید: «در خلاء هرگونه کار آکادمیک سازمان‌یافته، از ترجمه آثار ایبسن گرفته تا پژوهش درباره آن‌ها، هر کسی پس از مشروطه و خاصه در این چند دهه به ایبسن ناخنکی زده و بخشی از او را به یغما برده است. از کتاب «ایبسن آشوبگرا»ی امیرحسین آریان‌پور که بازگویی حرف‌های منتقدان مارکسیستی چون مهربنگ، لوناچارسکی و پلخانف است (البته بی‌آن‌که نویسنده منطق تحلیلی این نویسندگان را نیز برای خواننده ایرانی روشن کند) بگیرد تا برسید به حرف‌هایی که در